

پراکنده و درهم و برهم با فیروز کریمی

## من تاریخ مصرف ندارم!

فیروز کریمی از آن دست مربیانی است که در هر حالی حاضر به جواب است. در بحث مسایل فنی فوتبال چیزی کم ندارد. در خصوص سوالات غیرفوتبالی و غیرورزشی آتقدر دست به نقد است که طرف (سوال کننده) خیلی وقتها کم می آورد.

تصمیم گرفتیم با این مربی همه فن حریف و کسی که اتفاقاً در حیطه کارش یعنی فوتبال با موفقیت‌های زیادی همراه بوده است، از همه جا صحبت داشته باشیم. البته بهانه این گفت و گو همان ویژه نامه نوروزی است. بنابراین جهت دسترسی به مسایل ورزشی و غیرورزشی و نوع گفت‌وگو در آستانه فرارسیدن نوروز، بهترین انتخاب فیروز کریمی می توانست باشد، تلاش شده است تا در برابر سوالات، پاسخ‌های کوتاه دریافت شود. در حقیقت نوع گفت‌وگوی ما با کریمی شکل و شمایل پراکنده و درهم و برهم دارد. با هم می خوانیم.

\* فیروز خان سلام - کجا هستید؟

\* سلام از ماست، زیر سایه محبت دوستان، شما بفرمائید کجا هستید.

\* در تهران؟

\* خوبه فاصله زیادی با هم نداریم. ما در تبریز هستیم! در خدمتیم.

\* از شوخی گذشته، ماندگاری تان در تبریز و در تیم گسترش اندکی ماندگار شده است. به همین لحاظ خیلی‌ها دچار تعجب شده‌اند.

نمی دانم آن افرادی که دچار تعجب شده‌اند، چه هدفی را دنبال می کنند. اما اگر دلتان برای من تنگ شده است ما حاضر نیستیم کسی دلتنگ ما شود، حاضریم از تبریز دل کنده و تیم گسترش را به امان خدا رها کرده و به تهران برگردیم!

\* فیروز خان! چرا این همه جابجا می شوید؟ چرا این همه تیم عوض می کنید؟

چرا یکجا بند نیستید تا حاصل عملکرد خود را ببینید؟

بنده عاشق تنوع هستم. نباید یکجا ماند. باید زود جابجا شد تا تنوع احساس شود. از قدیم گفته‌اند، آب در یک جا ماندگار شد می گندد.

\* پس بحث تاریخ مصرف چه می شود؟

عمر دست خداست. تاریخ مصرف مثل گارانتی‌های اجناس لوکس می باشد. فقط تعویض پیچ و مهره‌هایش مجانی است. در بقیه مسایل باید دست به جیب شد.

\* تاریخ مصرف فیروز کریمی چه زمانی است؟

محال است پیدا کنید. آنقدر ریز ثبت شده و آنقدر روی همدیگر نوشته شده است که غیرممکن است متوجه شوید تاریخ مصرف بنده

تا چه زمانی می باشد. من تاریخ مصرف ندارم.

\* فیروز خان! شما روزگاری بازیکن تیم پاس

تهران بودید، سپس بازیکن تیم نیروی زمینی

شدید. آنگاه به صف مربیان پیوستید. با پاس

شروع کردید و حتی قهرمان آسیا نیز شدید. سپس

به استقلال رفتید، بقیه تیمها نیز برای مدتی میزبان

شما بودند. بالاخره با کی هستید، با چه تیمی هستید،

فیروز کریمی را چگونه باید خطاب کرد؟

زیاد حاشیه نروید. بنده با همه هستم اما با هیچکس نیستم.

خودم هستم. چه اشکالی دارد اگرم به همه جا سرکشی

کند؟ یادتان باشد بنده پلیس بودم. مجوز سرکشی دارم.

بنابراین ریشه‌ام پاسی است.

البته بقیه تیمها را دوست دارم. ناگفته نماند، آن تیمی که

بیشتر سرکیسه را شل کند بیشتر مخلص هستیم و ارادتمان

بیشتر خواهد بود.

\* می گویند، سرمایه دار بی سروصدا هستید؟

نه بابا کدام سرمایه. آه نداریم تا با ناله سودا کنیم.

پول مترو نداریم، آن وقت می گویند سرمایه دار

بی سروصدا. کدام سرمایه؟ چه کسی از پول فوتبال

سرمایه دار شده است که بنده دومین آن باشم.

\* می گویند در کار بسازبفروشی دست دارید؟

با برادر تان شریک هستید؟

اشتباه به عرض رسانده‌اند. اگر بسازبفروش بودم

خودم را از فوتبال بازنشسته می کردم. این را هم

بگویم، پول نداشته باشی کلاهت پس معرکه است.

\* یک زمان به عنوان مربی منشوری مطرح شده بودید؟

خودشان هم نفهمیدند چه گفته‌اند. کدام منشوری؟ بنده طرفدار زیاد داشتم. کارم موردپسند واقع شده بود. از اینرو بسیاری خواهانم شده بودند. دشمنان برای ما حرف ساختند تا ما را منشوری نشان دهند، در صورتیکه منشوری در فوتبال معنا ندارد. بنده در کارم حرفه‌ای هستم و دریافتی‌ام نیز حرفه‌ای است خیلی‌ها نمی توانستند این موضوع را در خود حل کنند آنگاه آمدند به دیگران انگ چسباندند.

\* چرا در کنار زمین آرام و فرار ندارید؟

فکر نکنم ایرادی داشته باشد. باید با بازیکنان داخل میدان ارتباط داشت تا آقایان فکر نکنند در داخل پارک در حال قدم زدن هستند. باید انرژی را به آنها انتقال داد تا آقایان در میدان

نقش سرباز را به خود بگیرند.

\* اما در برخی موارد شاهد هستیم که در کنار زمین دست به حرکاتی می‌زنید که بعضاً به سوژه روز مطبوعات تبدیل می‌شود. به عنوان مثال در یک بازی زیر باران از سطل زباله به عنوان چتر استفاده کردید حتی تا گردن در داخل سطل

زباله فرو رفته بودید؟

شما بودید چه می کردید؟ زیر باران بازی گذاشته‌اند آنگاه یک سر پناه برای ما مربیان در کنار زمین ایجاد نکرده‌اند، آن حرکت من خودجوش بود. اما پیام داشت

\* چه پیامی؟

اینکه با سطل زباله هم می‌شود چتر ساخت. آن حرکت من خیلی‌ها را به نان رساند. اما بنده زیر آن باران شدید دچار بیماری شدم و کلی هزینه درمان پرداخت شد. متأسفانه یکی هم پیدا نشد حال ما را جویا شود. تا کی باید مربیان اینگونه رفتارهای نادرست را تحمل کنند.

\* آیا تاکنون جریمه شده‌اید؟

چگونه جریمه‌ای منظور تان در فوتبال است یا در رانندگی؟ اما برای هر دو موردش پاسخ دارم. بنده پلیس بودم. سالیها در آن لباس خدمت کردم. خودم دیگران را جریمه می کردم.

حال جریمه بشوم؟

\* اتوموبیل معروفتان که همان قوطی کبریتی باشد را هنوز در اختیار دارید؟

آن اتوموبیل برای ما مدرساز شد. با آن اتوموبیل به شهرت جهانی رسیدم و به فیروز قوطی کبریت معروف شدم. البته از آن اتوموبیل خاطره فراوان دارم. بنابراین آن را حفظ کردم و اکنون در موزه منزل نگهداری می‌شود.

\* کمی جدی باشیم؟

مگر تاکنون جز این بود؟ هر آنچه که گفتم واقعیت است.

\* با گسترش فولاد تبریز به چه چیزی فکر می‌کنید؟

روزی که به گسترش آدمم وضعیت خوبی نداشت. برای حفظ این تیم در لیگ به این تیم آدمم. هنوز کارم تمام نشده است. البته بی‌میل نیستیم که

به بالا‌های جدول صعود داشته باشیم. اما نشدنی است.

\* نتیجه اینکه شما نقش آچار فرانسه را دارید؟ هر کس به مشکل

می‌رسد سراغ شما می‌آید؟

شما چنین نظری دارید. از زاویه دیگر چنین تعریفی را می‌تواند دنبال داشته باشد. بنده کارم را خوب می‌دانم و از اینرو تیمهای بحران‌زده به کار من علاقه

زیاد نشان می‌دهند.

\* نگاه شما به لیگ برتر؟

اگر حرف بزنم باید به دادگاه فوتبال بروم. اما در راه برنامه‌ریزی با مشکل مواجه هستیم. گاهی چنان فشرده باید بازی کرد

و گاهی باید به تعطیلات طولانی برویم. نام این برنامه‌ریزی نیست. نامش مسابقه برای مسابقه است.

\* آیا در گسترش ماندگار هستید یا تیم جدیدتر

مدنظر قرار دارد؟

فعلاً ماندگار هستیم. اما اگر ماندگار شدم، تیمی خواهم بست که نگو و نپرس تا گسترش به قدرت تبدیل شود.

تیمی که اکنون در اختیار من است. تیم موردعلاقه‌ام نیست. فعلاً از خلاقیت و شعور فنی بازیکنان در کار گروهی

استفاده می‌کنم. تیم موردعلاقه‌ام را باید خودم ببندم.

\* سوال آخر، نگاه شما نسبت به قضاوت داوران؟

داوران نیز به مانند تیمها افت و خیز دارند. هم قضاوت خوب داشتیم و هم قضاوت بحث انگیز در قضاوت‌های بحث انگیز شاهد

قربانی شدن برخی از تیمها نیز بودیم. امیدوارم که داوران نیز به یکپارچگی دست یابند. هر چند که در بحث رشد باید گفت،

داوران ما در قیاس با فوتبال رشد بیشتری داشته‌اند.

\* نوروز پیش رو است.

میشه بحث را تمام کنیم؟ نوروز که می‌آید باید دل خیلی‌ها را شاد کرد. باید هر چه اندوخته‌اید در نوروز

به عنوان عیدی به بازدید کنندگان داد. یادم هست بچه که بودیم به ما عیدی می‌دادند. بین ۵ تا ۱۰ ریال.

حالا باید چک بدون مبلغ و بدون تاریخ به این و آن بدهیم! یعنی در پایان تعطیلات عید، باید سراغ بانکها رفت تا وام دریافت کنیم. چون عیدی بگیران به چیزی رحم نکردند.

